
تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های تمدن غرب و تمدن نوین اسلامی از

منظر مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

مجتبی صبوری^۱

چکیده

تمدن‌ها همچون دیگر پدیده‌ها همواره‌ها دستخوش تحول و دگرگونی هستند، از سوی دیگر هر مکتب، ایدئولوژی، دین و اندیشه که علاوه بر ایده و نظر، توان عینیت‌سازی و عمل آن ایده را نیز داشته باشد مسیری تمدنی را پیموده است و ما امروز در دنیای معاصر با دو تمدن بزرگ غرب و تمدن نوین اسلامی مواجه هستیم که توانسته است ارزش‌های خود را بر بسیاری از ملت‌ها نمایان سازد. همین مسئله ضرورت پرداختن به این بحث را نشان می‌دهد؛ از این‌رو پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در صدد است به بررسی مؤلفه‌های تمدن غرب و تمدن نوین اسلامی با توجه به آراء مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای بپردازد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر مهمترین مؤلفه‌های تمدن غرب سلطه طلبی؛ غارت‌گری و فقدان آرامش است. همچنین مقام معظم رهبری با طرح تمدن نوین اسلامی

۱. مدرس سطح عالی حوزه علمیه و استاد دانشگاه علامه طباطبایی "ره" Saboorymojtaba@yahoo.com

مؤلفه‌های تحقق آن را کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت گستری، عزت، ولایت، آزادی، استقامت و مقاومت، اصلاح طلبی، استقلال، اخلاق عمومی و رفاه اجتماعی دانسته است.

واژگان کلیدی: تمدن غرب، تمدن نوین اسلامی، مقام معظم رهبری، مؤلفه‌ها، کرامت انسانی

مقدمه

در تحلیل جریان‌های فکری ایران معاصر در کنار دو جریان سنت گرا و تجدد گرا جریان دیگری نامبرده می‌شود که در نسبت سنجی میان دین و زندگی تمدن گرا و پیشرفت گرا بوده و بر این باور است که دین توان پاسخگویی به نیازهای زندگی هر عصری را دارد. به عبارت دقیق‌تر از منظر این جریان فکری، در مسیر توسعه و تکامل اجتماعی ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان قابل تفکیک نیست، بلکه با نگاه منظومه‌ای به دین در پی استخراج پاسخگویی به نیازهای عصر و نسل بود. افزون بر این که تحقق مبانی و معارف اسلامی در جامعه مستلزم الگوسازی مبتنی بر دین و کارشناسی علمی است و روشن است که چنین نگاهی به نسبت میان دین و زندگی از یک سوی متمایز و متفاوت از نگاه فردگرایانه، گذشته‌نگری و شریعت‌گرا به دین است و از سوی دیگر با دل‌بستگی به تجدد و مدرنیته در قرن حاضر مغایر است، بلکه نشان از دیدگاهی دارد که می‌توان آن را اندیشه تمدن نوین اسلامی دانست. این جریان فکری که می‌توان خاستگاه آن را در حدود دهه‌های چهل و پنجاه دانست، با شخصیت‌هایی معرفی می‌شود که در واقع رهبران و عناصر اصلی انقلاب اسلامی ایران هستند. امام خمینی علیه السلام بنیانگذار انقلاب، آیت الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب، شهید بهشتی و شهید مطهری از جمله این شخصیت‌های علمی هستند. با این توصیف نگارنده معتقد است الگوسازی برای حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در مقیاس تمدنی است و در این رهگذر شناخت و بازخوانی اندیشه‌های دیروز و امروز این جریان انقلابی بسیار ضروری و راهگشاست. در همین راستا اندیشه‌های تمدنی مقام معظم رهبری نقش پررنگی دارد.

معناشناسی

الف) تمدن

بدون شک واژه تمدن عربی است؛ چرا که از ماده «م د ن» و «مدینه» در لغت به معنی

شهر گرفته شده است. برخی می‌گویند: «تمدن عبارت از همه فعالیت‌های ذهنی و هر آنچه در بیرون از ذهن در قالب فناوری‌های علمی، اختراعات، اکتشافات جدید، عمران، راه‌ها، شهرها، مساجد، قصرها و قلعه‌ها دیده می‌شود است؛ لذا تمدن فراتر از فرهنگ مدنیت را نیز در بر می‌گیرد.» (حنفی، ۱۳۷۹، ۲۹) بنا براین اساس تمدن اسلامی همه آثاری را که مسلمانان در زمینه‌های علوم نقلی مانند قرآن، حدیث، تفسیر، سیره و فقه و علوم عقلی مانند حساب، هندسه، نجوم و موسیقی و علوم نقلی عقلی مانند اصول دین، اصول فقه، فلسفه و عرفان تالیف کرده‌اند، شامل می‌شود. هنری لوکانس، تمدن را پدیده‌ای به هم تنیده شده می‌داند که همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد. (لوکاس، بی تا، ۱/ ۱۶ و ۷) ویل دورانت نیز تمدن را عبارت از نظامی اجتماعی می‌داند که در نتیجه آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر و جریان می‌یابد. وی در ادامه شهر را محل برخورد راه‌های تجاری دانسته و مدعی شده در شهر است که عده‌ای از مردم به فکر ایجاد مرکز علم و فلسفه ادبیات و هنر می‌افتند. (ویل دورانت، ۱۳۶۷، ۳/۱-۵)

از نظر مقام معظم رهبری تمدن اسلامی، یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار طلاب مدرسه علمیه آیت‌الله مجتهدی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۲،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=1138>)

ب) تفاوت‌های فرهنگ و تمدن

در مواردی بسیار در نظر اندیشمندان، فرهنگ و تمدن به یک معنا در نظر گرفته شده و صرفاً تفاوت‌هایی لفظی و لغوی برای آنها قائل شده‌اند و در اصطلاح نیز فرهنگ و تمدن را مترادف می‌دانند. تمدن نیز همانند فرهنگ در اصطلاح تعریف اصطلاحی واحدی ندارد و دارای ابهام است، به ویژه که در بسیاری موارد با فرهنگ یکی گرفته می‌شود و شاید به طور

کلی آنچه باعث دشواری و پیچیدگی تعریف آن می‌شود همین ارتباطاتش با فرهنگ است؛ چرا که مفهوم فرهنگ بسیار مبهم است و ابهام آن نیز به مفهوم و تعریف تمدن هم سرایت می‌کند. با وجود این هر دو واژه از مفاهیم پرکاربردند. با این حال با تامل در ویژگی‌ها، مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ و تمدن روشن است که این دو مقوله‌های یکسان نیستند و در چستی، ابعاد و خصوصیات هر یک تفاوت‌هایی اساسی وجود دارد. تمدن بعد ساختاری ایده، نظر و عقیده است که به آن فرهنگ می‌گوییم. لذا تمدن نقش نهادینه کردن و قوانین بخشیدن به فرهنگ را دارد. به عبارتی آن را از حالت مکنون ایده و نظر خارج و آن را به عمارت، نظام و ساختار تبدیل می‌کند. از طرفی پایایی ماندگاری فرهنگ تبدیل ایران به تمدن است؛ چراکه ماهیت فرهنگی که امری انتزاعی به طور مطابق نظری است، صرفاً فهرستی از انبوه‌اندیشه‌ها خواهد بود و نه ساختارهایی که تحقق و تجسم عینی آن اندیشه‌ها باشند.

سیر در تاریخ بشر نیز نشان می‌دهد که زندگی انسان بر دو رکن نظر (ایده) و عمل (فرم) ظهور، دوام و استوار می‌یابد؛ لذا محال به نظر می‌رسد حیات و زندگی بشری صرفاً اندیشه و نظر باشد یا صرفاً ساختار و عمل. در طول تاریخ نیز حیات انسان متشکل از نظرها و عمل و رفتار بوده است و این یعنی همان داشتن فرهنگ و تمدن انسان در طول تاریخ. از طرفی فرهنگ روح تمدن است و تمدن کالبد فرهنگ؛ از این رو تمدن بعد عینی و تجسمی فرهنگ است و علت ماندگاری و پایا ماندن فرهنگ را بایستی در تمدن جستجو کرد. در این خصوص مظاهر افعال در یک تمدن محصول استخراج آن افعال از نهاد یک ایده و تبدیل آن به قانون عینی در صحنه زندگی انسان است. بنابراین هر مکتب، ایدئولوژی، دین و اندیشه که علاوه بر ایده و نظر، توان عینیت‌سازی و عمل آن ایده را نیز داشته باشد مسیری تمدنی را پیموده است. لذا ضروری است فرهنگ‌ها از دایره ایده‌ها خارج گردند تا به مرتبه تمدن نائل آیند. یعنی اندیشه‌ها از حوزه پنهان نظری خویش خارج و به عرصه‌های عینی زندگی وارد گردند. پس در این صورت است که از یک فرهنگ، یک تمدن ظاهر

می‌شود.

ج) مؤلفه‌های تمدن غرب از منظر مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری با نگاهی جامع ضمن برشمردن برخی از مؤلفه‌های تمدن غرب در بیانات متعدد ناکارآمدی آنها را بیان کرده است.

۱. سلطه طلبی؛ مقام معظم رهبری در سخنانی ویژگی سلطه طلبی تمدن غرب را ناشی از بینش مادی غرب می‌دانند. می‌فرمایند: «امروز تمدن این که امکانات نظامی را در اختیار مستکبران قرار داده مبتنی بر نگاه مادی به عالم آفرینش است. همین نگاه مادی است که دنیا را بدبخت کرده خود آنها را هم بدبخت کرده وقتی نگاه مادی بود سود پرستان بود دور از معنویت بود دور از اخلاق انسانی بود نتیجه این می‌شود که قدرت نظامی و قدرت سیاسی و قدرت اطلاعاتی در راه به زنجیر کشیدن ملت‌ها به کار می‌رود و تمدن غرب در این چرم چند قرن اخیر که به اوج رسیده هیچ هنری غیر از این نداشته است و شریعت را استثمار کردند ملت‌ها را به زنجیر کشیدند از علم شان استفاده کردند برای نابودی تمدن‌های ملت‌های دیگر و غلبه بر آنها بر فرهنگ آنها بر اقتصاد آنها» (بیانات رهبری در تاریخ ۳۱/۴/۱۳۹۱، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=20482>)

۲. غارت‌گری؛ از جمله ویژگی‌های غرب، خصلت غارت‌گری است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «کشورهایی که با آمریکا ارتباط دارند کشورهای گوناگونی که در آسیا و آفریقا و سایر جاها هستند که بسته به قدرت خودشان اگر قدرت علمی بالایی داشتند اگر در آنها قدرت پیشرفت دانش و تکنولوژی و استقلال وجود داشته باشد به همان اندازه می‌توانند مقاومت کنند اگر در درون خودشان نتوانسته باشند یک بنای شامخ به وجود بیاورند آن قدرت استکباری آمریکا نه فقط با آن‌ها سود نمی‌رساند بلکه از آنها بهره می‌برد به آنها ضربه هم می‌زند آنها را به بازار فروش محصولات خود چه محصولات نظامی و چه محصولات بی ارزش دیگر بدل می‌کند منابع آنها را غارت می‌کند و در همه امور آنها هم دخالت می‌کند این هدف استکبار است». (بیانات رهبری در دیدار با دانشجویان و دانش

آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ۸/۱۲ /
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2978>، ۱۳۷۸)

۳. کمبود آرامش؛ پیشرفت‌های صنعتی غرب اگرچه آسایش و رفاه را پدید آورده است؛ اما آرامش بشر را تامین نکرده است، بلکه اضطراب و فشار روحی بشر افزایش نیز پیدا کرده است. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «الان دنیای اروپا و آمریکا را نگاه کنید ببینید اینها چقدر دچار اضطرابند، چقدر ناآرامی دارند چقدر دنبال آرامش می‌گردند چقدر مصرف قرص‌های مسکن و خواب آور زیاد است چقدر جوان‌ها به کارهای بی‌قاعده دست می‌زنند موها را بلند می‌کنند لباس‌های تنگ میپوشند برای این است که از وضع جامعه ناراحتند عصبانی و خشمگین اند می‌خواهند خودشان را به آرامش برسانند آخرش هم با ناکامی می‌میرند». (خامنه‌ای، ۱۳۸۸، ۴۱)

د) تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

تمدن نوین اسلامی تعبیری است که در سخنان مقام معظم رهبری زیاد استفاده شده است. ایشان می‌فرمایند: «آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است؛ اینها را از دست ندهید و اینها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید... این چیزی است که جمهوری اسلامی هدف غایی قرار داده: رسیدن به تمدن اسلامی، منتها تمدن متناسب با این زمان، تمدن نوین اسلام». (خامنه‌ای،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44016>، ۱۳۹۸/۸/۲۴)

مقام معظم رهبری در بسیاری اظهاراتشان معنای تمدن را با دو مفهوم زیرساختی همراه ساخته‌اند؛ نخست ارتباط تمدن اسلامی با زندگی انسانی و دوم تو امانی تمدن اسلامی و امت اسلامی. علت طرح این دو مبحث تأکید بر این نکته است که مقام معظم رهبری مفهوم‌شناسی تمدن را که غالباً از جمله مباحث نظری است با عرصه عمل و عینیت‌های محیطی گره زده‌اند و این از مهمترین ویژگی‌های دیدگاه‌های تمدنی ایشان است. (بهمنی، ۱۳۹۳، ش ۲)

پیش نیازها و الزامات اولیه شکوفایی تمدن نوین اسلامی

بی تردید تمدن اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و در این آموزه‌ها، توصیه‌ها، سفارش‌ها و همه باید‌ها و نباید‌ها برای شکوفایی مظاهر و عملکرد آنها در تمدن اسلامی منسجم است. مواردی از قبیل هنجارهای فردی و اجتماعی، تعمیم ارزش‌های مشترک عینی و آرمان‌های مطلوب در سطوح داخلی و جهانی، تقویت معنویت‌گرایی و تکیه بر قدرت معنوی، پیوند دین و سیاست و همه شئون زندگی، گفتمان سازی و نظریه پردازی‌های اسلامی، نفی انگیزه‌های قومی و نژادی، پرهیز از دامن زدن به اختلافات مذهبی و فرقه‌ای، تبیین جهان شمولی اسلام، عدالت‌محوری، آموزش، همگرایی اعتدال محور و...؛ بنابراین برای نیل به تمدن نوین اسلامی می‌بایست بن‌مایه‌های اعتقادی و ارزشی و هنجاری و در نهایت رفتاری با تکیه بر تعالیم اسلامی رونق یافته و نهادینه شود.

برخی با ملحوظ کردن روابط اجتماعی-سیاسی، زمینه‌ها و الزامات اولیه تمدن اسلامی را مواردی از قبیل ذیل برشمرده‌اند:

۱. فضای آرام روانی در صحنه سیاسی و اجتماعی و پرهیز از تنش‌ها و چالش‌ها.
۲. عزم ملی و اراده جمعی که بتواند در اجزاء مختلف سیستم و تمامی سطوح فضای نوآوری را حاکم سازد.
۳. هماهنگی و همدلی صادقانه مسئولان، مدیران و نخبگان جامعه برای اینکه نوآوری مطلوب فضای جامعه را فرا بگیرد.
۴. نگاه فرا جناحی احزاب و تشکل‌ها به موضوع نوآوری و اجتناب از مصادره آن به نفع گروه جناح.
۵. شناسایی نقصان و کاستی‌ها در سیستم‌ها و روش‌ها که بتوان بن‌بست‌ها و کمبودها را در معرض دید عمومی قرار داده تا نسبت به رفع آن چاره‌جویی شود.
۶. تدبیر علمی و عقلی در ارائه نوآوری‌ها
۷. پرهیز از بلند پروازی‌ها جهت عملیاتی ساختن طرح‌ها

۸. تناسب نوآوری‌ها با ظرفیت‌ها و امکانات موجود
 ۹. نوآوری بر اساس مطالبات عمومی جامعه و به دور از افزایش نیازها و غیر واقعی نمودن آنها
 ۱۰. زودبازده و موثر بودن نوآوری در رفع مشکلات اجتماعی و معیشتی مردم عاری از هرگونه بزرگنمایی
 ۱۱. تکریم و تجلیل از افکار و طرح‌های نو
 ۱۲. اهتمام و همت جهت عملیاتی کردن فکرها و ایده‌های جدید
 ۱۳. مخاطب شناسی در نوآوری. (حسین زهی، عبدالستار، ۱۳۷۸)
- به باور مؤلف این موارد در سطح مناسبی قرار ندارد و نقطه آغاز و پایانی برای دستیابی به تمدن ارائه نمی‌دهد. به عبارتی برای ترسیم نقشه راه از یک نقطه آغازین تا منتهی مقصود و هدف غایی مسیر مشخص نمی‌کند. اما برخی دیگر با تقسیم‌بندی الزامات تمدن نوین اسلامی آن را به ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کرده‌اند که تا حدودی ابعاد مادی و معنوی تمدن اسلامی را مشخص کرده است؛

الزامات جنبه سخت‌افزاری (ابزاری)

الف) در بعد دانش

۱. وجود دانشگاه تمدن ساز
۲. نوآوری در عرصه علمی
۳. افزایش دانش سیاسی جهت تعاملات بین‌المللی
۴. رشد علمی، توجه به علم و تبدیل آن به یکی از گفتمان‌های اصلی جامعه و ایجاد فضای مساعد برای شکوفایی و تولید علم و فناوری بر مبنای آموزه‌های اسلامی
۵. عامل انسانی آگاه (تربیت نیروی انسانی و مدیران لایق)
۶. اجتهاد پویا: جاودانگی و جهانی بودن تعالیم اسلام

ب) نگرش

۱. احساس هویت و خودباوری
۲. معرفی ویژگی‌ها و ظرفیت تمدن سازی اسلام با به کارگیری از تبلیغ و ابزارهای تبلیغ
۳. اعتبار بین المللی و مقابله با اسلام هراسی
۴. احساس امنیت (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، روانی و...)

ج) در بعد توانش

۱. اقتدار (اجتماعی، سیاسی و نظامی)
۲. انضباط کاری

الزامات جنبه نرم افزاری تمدن اسلامی

الف) در بعد دانش

۱. تبیین مبانی نظری و فلسفی سبک و سلوک زندگی
۲. توحید گرایی
۳. نوآوری در عرصه فرهنگی
۴. عقلانیت اسلامی
۵. آگاهی از ارزش‌های ایرانی اسلامی
۶. فرهنگ سازی

ب) در بعد نگرش

۱. اخلاق حرفه ای
۲. تقویت حس کرامت
۳. مدارا و سعه صدر
۴. صبر و تحمل در رسیدن به نتیجه مطلوب

۵. امر به معروف و نهی از منکر

۶. مسئولیت پذیری و اهتمام داشتن به امور

ج) در بعد توانش

۱. عمل به قرآن و اجرای صحیح تعالیم مکتب اسلام

۲. پرهیز از تقلید

۳. ایجاد وحدت در جهان اسلام

۴. پیروی از رهبری واحد و پرهیز از اختلافات قومی مسلمین

۵. سبک زندگی

۷. استفاده از کارکردهای مساجد

تعالیم اسلام دو هدف اساسی را پیگیری می‌کند، هدف اول انسان سازی و هدف دوم تمدن سازی که آن هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تامین می‌کند. آیت الله جوادی آملی در همین رابطه می‌گوید: «مهمترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد دو چیز است؛ اول انسانها را به سوی خلیفه الله شدن راهنمایی و مقدمات سیر و سلوک آن را فراهم کردند، دوم کشور اسلامی را مدینه فاضله ساختن». (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ۱۰۰)

در هدف اول که انسان سازی و آماده کردن انسان برای پذیرش مقام خلیفه الهی در زمین، حفظ صبغه الهی و دینی در تمام مراحل زندگی از تولد تا مرگ، فرایندهای آن ناظر به انسان سازی و تمدن سازی است که می‌بایست خروجی آن انسان ها و جامعه الهی باشد. بنابراین بخش زیادی از تعالیم دینی زمینه ساز تمدن اسلامی است از طریق انسان سازی و انسان سازی نیز برای جامعه سازی. اما هدف دوم ساخت مدینه فاضله آرمان شهری با کشور اسلامی و تعابیری از این دست می‌باشد. بنابراین الزامات نرم افزاری تمدن ناظر به پیاده سازی و تحقق عینی تمدن اسلامی در جامعه و میان شهروندان آن است و این به این معنا است که باید تمام فرآیندها و ساز و کارهای لازم برای تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی تبیین و با تکیه بر محتوای اسلامی طراحی و حلقه‌های لازم برای اجرای آن طرح بر اساس

محاسبات و مهندسی الهی تکمیل شوند. در این خصوص موارد زیر مورد تأکید است:

۱. توجه به علوم و معارف قرآنی به عنوان بن مایه تمدن اسلامی
۲. تلاش مجددانه با اعتقادی راسخ
۳. رعایت ارزش‌های اخلاقی در بعد علمی و عملی
۴. بومی‌سازی علمی و فرهنگی با پرهیز از تقلید و اقتباس صرف
۵. تدوین الگوی توسعه اسلامی نقشه راهبردی و کلان تربیت انسان متعالی متناسب با تمدن نوین اسلامی
۶. اصلاح سبک زندگی به عنوان بعد نرم افزاری تمدن نوین اسلامی. (ملکی حسن، ملکی یاسر، ۵۹۳-۶۱۶).

الزامات معنوی و اخلاقی تمدن اسلامی

تمدن اسلامی الزاما بر معنویت و اخلاق نیز استوار است و پایه‌های آن بر عبادت خالصانه و اخلاق اسلامی مستحکم شده است. برخی محورهای توحیدگرایی و مصادیق آرمانی اخلاق اسلامی از این قرار است:

۱. نگرش توحیدی
 ۲. مقابله با عناصر معنوی کاذب
 ۳. تقویت حس کرامت نفس
 ۴. صداقت و پرهیز از دروغ و نفاق
 ۵. اصالت اخلاق و رفتار
 ۶. پرهیز از غرور و تکبر و خودستایی
 ۷. مدارا و سعه صدر
 ۸. مهرورزی و خوش رفتاری
- حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «اخلاق زیربنای تمدن اسلامی است. ایجاد عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه

خدا کارآمدی را مضاعف خواهد کرد. اخلاق نیکو به معنای پروراندن صفات نیکو و خلیات فاضل در دل و جان خود و انعکاس آنها در عمل خود است که اگر در جامعه‌ای باشد مایه سعادت است. در مقابل جامعه‌ای که در بین خود دچار حسد، بدخواهی، حیل‌گری، حرص به دنیا و بخل نسبت به مال دنیا و دچار کینه ورزی با یکدیگر باشند، حتی اگر قانون هم به طور دقیق عمل شود، سعادت در این جامعه نیست. اگر علم هم پیشرفت کند و تمدن ظاهری هم به منتهای شکوه برسد این جامعه، جامعه بشری مطلوب نیست. قانون فردی و اجتماعی اسلام در جای خود وسیله‌هایی برای سعادت بشر اند (در این تردیدی نیست)؛ اما اجرای درست همین قوانین هم احتیاج به اخلاق خوب دارد». (بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3334>)

حوزه‌های تمدن‌ساز

بدیهی است برای ایجاد تمدن نوین اسلامی فقدان برنامه، مسیر و نقشه راه مشخص، افقها، تصمیم‌گیران و مجریان و... کار را پیچیده می‌کند؛ اما مطالعه، تحقیق و پژوهش در این زمینه کارساز خواهد بود. یکی از مولفه‌هایی که در ساخت تمدن اسلامی می‌توان بدان پرداخت حوزه‌های فردی، اجتماعی، علمی و جهانی تمدن است. به عبارتی برای پیوند تمدن با جامعه می‌بایست بر چهار حوزه فوق تأکید ورزید؛ لذا با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ در ایجاد تمدن نوین اسلامی برنامه‌هایی را در چهار حوزه پیشنهاد می‌شود:

حوزه اول: فردی

الف) تقویت توانایی‌های فردی

حوزه دوم: اجتماعی

الف) تحکیم بنیان خانواده

ب) تقویت بنیان‌های جامعه خود

ج) همراه کردن دیگران با خود

حوزه سوم: علمی

- الف) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری
 ب) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی
 ج) تقویت عزت نفس عمومی
 حوزه چهارم: جهانی
 الف) حضور موثر و فعال در جامعه جهانی
 ب) تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین
 ج) استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام
 د) مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و انتظار
 ه) دعوت به حق و عدالت

راهبردها و الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

راهبردها و الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری از این قرار است:

۱. ایمان

در اندیشه مقام معظم رهبری در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم له بر این باورند که بدون ایمان، پیشرفت میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

یک تمدن بزرگ، عمیق و ریشه دار اسلامی زمانی می‌تواند فکر و فرهنگ خود را در دنیا

گسترش دهد که با تکیه بر تعالیم اسلام در تحقق آن بر آمده و بر آن استقامت ورزد. البته دشمنان اسلام برای توقف این حرکت عظیم به دنبال کشاندن جامعه به بی‌ایمانی است که این امر یکی از توطئه‌هایی است که به فرموده مقام معظم رهبری با شدت و جدیت دنبال می‌شود؛

«کشاندن جامعه به بی‌ایمانی یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن سازی اسلامی دنبال آن بودند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند. پس در درجه اول نیاز تمدن سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام پیدا کرده‌ایم. ایمان ما ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی همه آنچه را که مورد نیاز ماست می‌توانیم پیدا کنیم باید آنها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم، باید در اخلاق اسلامی و عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و با کیفیت ای انجام دهیم». (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21252>

۲. عمل به تعالیم قرآن

در اسلام قرآن کریم در راس منابع دینی، بیان‌کننده و البته پاسخ‌دهنده به همه نیازهای آدمی قرار دارد. سرگذشت تمدن‌های پیشین و مطالعه تاریخ آنان به خوبی ضرورت عمل به تعالیم قرآن را برای ما آشکار خواهد نمود. بشر برای رسیدن به کمال نیازمند برنامه‌ای جامع و کامل است که بتواند با اعتماد بر آنها و تکیه بر آن در مسیر نیل به کمال حرکت کند. خداوند متعال می‌فرماید: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین؛ و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل: ۸۹) بر این اساس برای ساختن تمدن نوین اسلامی می‌بایست سبک زندگی اسلامی را با بهره‌گیری و عمل به مفاهیم قرآنی طرح ریزی نمود. به اعتقاد مقام معظم رهبری شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین

منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند. (امام خامنه‌ای، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17269>، ۱۳۹۰/۶/۲۶)

۳. اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی

از نظر مقام معظم رهبری عقلانیت، یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست. همچنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است. (امام خامنه‌ای، بیانات در سالروز عید مبعث،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7435>، ۱۳۸۸/۴/۲۹)

۴. پرهیز از سطحی‌نگری

۵. پرهیز از تقلید از غرب

۶. تولید فکر

در این زمینه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سرصحنه نباشند دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد... البته در آحاد مردم هم نقش آفرینی دینی هست؛ از راه امر به معروف و نهی از منکر، از راه آماده سازی خود برای اینکه در یک جایگاه نقش آفرین قرارگیرند». (خامنه‌ای، بیانات در

جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۴ / ۷ / ۱۳۷۹،
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21451>)

۷. پرورش انسان

مقام معظم رهبری این وظیفه مهم را در درجه اول بر عهده علمای دین قرار می دهند و می فرمایند: «باید کسانی باشند که بتوانند روحیه ایمان را در انسان‌ها پرورش دهند، بدون شک مدیران جامعه جزء نقش آفرینان اند، سیاستمداران جزء نقش آفرینان اند، متفکران و روشنفکران جزء نقش آفرینان اند؛ اما نقش علمای دین، نقش کسانی که در راه پرورش ایمان مردم از روش دین استفاده می کنند، یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است، مدیران جامعه هم برای اینکه بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند...» (همان)

مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱. کرامت انسانی

۲. علم و معرفت

در اندیشه مقام معظم رهبری، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون رفت از این آفت است. (امام خامنه‌ای، بیانات در

جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3053>، ۱۳۷۹/۱۲/۹)

۳. عدالت گستری

۴. عزت؛ مقام معظم رهبری نظر به اهمیت این مولفه فرموده‌اند: «اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی و استفاده از آن‌ها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید واجب است که مسلمانان از خرید و به کارگیری و استفاده از آن اجتناب کنند». (اجوبه الاستفتائات،

(<https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id=121>)

۵. ولایت

۶. آزادی

۷. استقامت و مقاومت

۸. اصلاح طلبی

۹. استقلال: به فرموده مقام معظم رهبری آگاهی از خاستگاه مدهایی که در غرب پیدا می‌شود و به سرزمین‌های دیگر منتقل می‌شود بسیار اهمیت دارد؛ چرا که بسیاری از این مدها در بردارنده پیامی منفی یا ترویج دهنده یک گروه غیر اخلاقی است. به طور کلی تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنها را به دنبال دارد حرام است». (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۳/۸،

(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2715>)

۱۰. اخلاق عمومی و رفاه اجتماعی

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت از منظر مقام معظم رهبری تمدن غرب اگرچه به لحاظ مادی پیشرفت‌هایی داشته باشد و آسایش مادی بشر را تامین کرده، اما نتوانسته

آرامش فکری و معنوی انسان‌ها را تأمین کند و بر اضطراب روحی و روانی بشر افزوده است. درباره راهبردها و مؤلفه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی هرچند اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کرده‌اند؛ اما مقام معظم رهبری به شیوه منسجم‌تری درباره آن‌ها سخن گفته‌اند. راهبردها و الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری عبارتند از ایمان، عمل به تعالیم قرآن، اهتمام در به کارگیری عقلانیت اسلامی، پرهیز از سطحی‌نگری، پرهیز از تقلید غرب، تولید فکر، پرورش انسان. مؤلفه‌های مدنظر مقام معظم رهبری در تحقق تمدن نوین اسلامی نیز عبارتند از کرامت انسانی، علم و معرفت، عدالت گستری، عزت، ولایت، آزادی، استقامت و مقاومت، اصلاح طلبی، استقلال، اخلاق عمومی و رفاه اجتماعی.

منابع

۱. بهمنی، محمدرضا، تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه علمی پژوهشی، نقد و نظر، سال نوزدهم، شماره ۲، ۱۳۹۳
۲. جوادی آملی، عبدالله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، قم: اسراء، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
۳. حنفی، حسن، اندیشه و تمدن اسلامی و مباحثی پیرامون آنها. نامه‌ی علوم انسانی، ۱۳۷۹.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای: khamenei.ir
۵. خامنه‌ای، سید علی، نکته‌های ناب، قم: دفتر نشر معارف، چاپ چهارم، ۱۳۸۸.
۶. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، عبدالحسین آذرنگ، تهران: توس، بی تا.
۷. ملکی حسن، ملکی یاسر، تعامل اخلاق معنویت و عقلانیت در تمدن نوین اسلامی، فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۷.
۸. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.